

## پس از انتخابات اکنون چه؟

مصاحبه میلیتانت با مازیار رازی

رفیق مازیار شما در مصاحبه پیش از انتخابات اعلام کردید که باید این انتخابات را تحریم فعال کرد. و اینکه نباید به هیچ یک از نامزدها رای داد زیرا انتخابات ریاست جمهوری یک مضحکه بیش نیست و رئیس جمهورها (چه اصول گرا و چه اصلاح طلب) "هیچ کاره" هستند. نظر شما در مورد اعلام شمارش آرا تا کنونی از طرف ستاد انتخاباتی چیست؟

با درود به همه خوانندگان گرامی. صبح زود روز ۲۳ خرداد (چند ساعت پس از پایان انتخابات) کامران دانشجو، رئیس ستاد انتخابات ایران اعلام کرد که از ۲۹ میلیون آرای شمارش شده احمدی نژاد ۱۹ میلیون را به خود اختصاص داده و به احتمال یقین با ۶۵ درصد آرای در دور اول به ریاست جمهوری انتخاب می شود! میرحسین موسوی نیز با ۹ میلیون رأی یا ۳۲ درصد آرا نفر دوم شده است.

بدیهی است که این انتخابات چیزی بیش از یک مضحکه نیست. بدیهی است تقلب گسترده صورت گرفته است. تمام تدارکات از پیش دیده شده است و با اعلام «رزمایش اقتدار» (پلیس سرکوبگر) برای خفه کردن هر گونه اعتراضی پس از این «تقلب بزرگ». هیچکس حتی طرفداران احمدی نژاد هم نمی توانند نتایج انتخاباتی را جدی بگیرند. اما مسایل اینها نیست. نتیجه این انتخابات پس از سخنرانی خامنه ای در حمایت مستقیم از احمدی نژاد قابل پیش بینی بود. «شورای نگهبان» و «رهبر انقلاب» تصمیم خود را از پیش گرفته بودند و تدارکات آن را از پیش دیده بودند و با استفاده از امکانات نیروهای نظامی (پاسداران و بسیجی ها) و رسانه های عمومی و غیره، به سرعت به مورد اجرا گذاشتند. این اقدام دولت سرمایه داری، حداقل مارکسیست های انقلابی را متعجب نکرد. گرایش ما از پیش به جوانان و کارگران و زحمتکشان هشدار داده بود که این انتخابات یک مضحکه بیش نیست.

مسئله بر سر این است که اکنون که این «تقلب بزرگ» صورت گرفته است جناح اصلاح طلب هیئت حاکم که ظاهراً در انتخابات پیروز شده بود (بنا بر گفته محسن مخملباف نماینده ستاد انتخاباتی موسوی در خارج)، چه می خواند انجام دهند؟ سعید شریعتی عضو ستاد انتخاباتی میرحسین موسوی به بی بی سی فارسی گفته بود که آقای موسوی در اعتراض به روند انتخابات و شیوه اعلام نتایج شمارش آرا، نامه ای به آیت الله خامنه ای نوشته است!!! سعید رضوی فقیه، سخنگوی ستاد مهدی کروبی به بی بی سی فارسی گفت که این ستاد نمی تواند به آمار اعلام شده اعتماد کند او گفت: "مشغول گفت و گو و رایزنی هستیم و آقای کروبی فعلاً قصد سکوت دارد تا اصل مسئله روشن شود"!!!

آیا اینها اصلاح طلبانی هستند که می خواستند رئیس جمهور شوند؟ و آزادی سیاسی و مدنی در جامعه ایجاد کنند؟ همانطور که در مصاحبه پیش اشاره شد اینها فاقد قدرت و حتی جرأت سیاسی هستند. رأی به این عده توسط برخی از جوانان اشتباه محض بوده است. اینها به جای به صحنه فرا خواندن پایه های اجتماعی خود (که اکنون به چند میلیون می رسد) و در خواست مقاومت در مقابل این «تقلب بزرگ» مردم را به خویشتن داری و سکوت و خانه نشینی دعوت می کنند و به «رهبر انقلاب» که خود مسئول و مسبب این تقلب است شکایت نامه می نویسند!!! آیا رهبران این اصلاح طلبان قابل اعتمادند؟ آیا در افت و خیز های آتی می توانستند در مقابل ولایت فقیه تاب مقاومت بیاورند و از منافع توده های حمایت کنند؟

رفیق مازیار آیا جوانان انتخاب دیگری داشتند؟ آنها ما بین «بد» و «بدتر»؛ «بد» را انتخاب کردند.

بله در وضعیت کنونی جوانان ما انتخاب دیگری نداشتند. و از این فرصت طلایی چند روزه برای فریاد کشیدن و شادی در مورد کاندیداهای موجود استفاده کردند. این جوانان را نمی توان سرزنش کرد. اما عده ای از افراد با تجربه در میان اصلاح طلبان و حتی برخی از نیروهای چپگرا و به اصطلاح سوسیالیست با علم به این مسئله که رهبران اصلاح طلبان بی قدرت و بی هویت هستند؛ هم خود به موسوی رأی دادند و هم سایرین را به حمایت از او تشویق و ترغیت کردند. این عده دوره ی خاتمی را خوب بیاد داشته و به رغم آن به جای کمک رسانی به ایجاد یک خود مستقل ضد سرمایه داری برای چندمین بار از رهبری یک بخش از دولت سرکوبگر سرمایه داری حمایت کردند.

حتی چنانچه موسوی انتخاب می شد؛ باز موضوع آنها اشتباه می بود. زیرا این واقعه یعنی تقابل بین رئیس جمهور و ولایت فقیه چند ماه پس از انتخابات رخ می داد. به سخن دیگر در مقابل سیاست های شورای نگهبان و رهبر انقلاب موسوی نمی توانستند تاب بیاورد. رهبران و طرفداران اصلاح طلبان باید توجه داشته باشند که تنها راه توفیق آنها در تحقق "اصلاحات"، همانا گسست کامل از ولایت فقیه است. تا زمانی که این تصمیم را ننگرفته باشند همواره محکوم به شکستند. وقایع دیروز این نکته را برای چندمین بار به اثبات رساند.

جوانان ما نیز از این تجربه کوتاه باید درس های لازم را بگیرند. تنها سیاست های ضد سرمایه داری مارکسیست های انقلابی است که می تواند راه آتی را به آنها نشان دهد. زیرا ۲۰۰ سال تجربه مبارزات طبقاتی در سطح جهانی در برنامه و سیاست های مارکسیست های انقلابی نهفته شده است. جهت گیری به سوی مارکسیزم انقلابی برای جوانان و گسست کامل از هر گونه اصلاح طلبی برای جوانان ما امری است حیاتی.

رفیق مازیار پس چرا سیاست مارکسیست های انقلابی در انتخابات اخیر اجرا نشد؟

باید توجه باشیم گرایش مارکسیست های انقلابی در وضعیت اختناق آمیز و سرکوب شدید توسط نیروهای سرمایه داری همواره باید خلاف جریان گام بردارند. در نتیجه برای دوره ی تا باز شدن گشایش های واقعی اجتماعی اقلیتی از جامعه هستند. بدیهی است که گرایش ما به تنها در وضعیت کنونی قادر نمی بود که به یک حرکت توده ای دامن بزند. اما نکته جالب توجه این است که گرایش ما در کنار حد اقل پیشروی کارگری که مقابل دولت سرمایه داری در چند سال پیش مقاومت و مبارزه کرده و هزینه نیز پرداخته (همانند زندانی شدن منصور اسالو از رهبران شرکت واحد) و بخشی از کارگران ایران خودرو و غیره قرار گرفتیم. کارگران پیشرو و مبارزان کارگری و دانشجویی که در رودرویی با دولت نقش مهمی داشته اند؛ وارد این مضحکه انتخابات نشدند. برخلاف جوانان بی تجربه و نا آگاه و افراد با تجربه و سردرگم به موسوی رأی داند، کارگران پیشرو این انتخابات را عملاً تحریم کردند، زیرا در چند سال پیش از دولت و سیاست های آن را تجربه کرده اند. در اطلاعیه انتخاباتی شان کارگران شرکت واحد چنین اعلام کردند: "... امروزه برای کارگران و خانواده هایشان تشویق به شرکت در انتخابات یکی از بی معنا ترین بحث های موجود می باشد چرا که کارگران در سه دهه گذشته ، تمام روسای جمهور از دوره جنگ و دوره سازندگی و دوره اصلاحات و هم چنین رئیس جمهور مهرورز را تجربه کرده اند)... انتخابات و تشکلات کارگری (سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه). یا بخشی از کارگران ایران خودرو عنوان مقاله ی انتخاباتی شان چنین بود: "ما تنها در انتخاباتی شرکت می کنیم که حافظ منافع ما کارگران باشد". تمام اینها نشان دهنده آگاهی برخی از کارگران از ماهیت هر دو جناح هیئت حاکم است.

اما علت دیگری که منجر به عدم اجرای گسترده خط مشترک کارگری در این انتخابات نشده است؛ عدم اتحاد و کار مشترک درازمدت میان کارگران توسط نهادهای کارگری در دوره پیش بوده است (مقاله ای تحت عنوان «از اول ماه مه امسال چه می توان آموخت؟» در ارزیابی اول ماه مه نگاشته ام که در نشریه میلتانت شماره ۲۳ انتشار یافته است. در این مقاله به این موضوع بیشتر پرداخته شده است).

درسهای این انتخابات برای کارگران و جوانان چیست؟

نخستین درس این است که به هیچوجه و تحت هیچ شرایطی نباید به هیچ یک از جناح های موجود دولت سرمایه داری اعتماد داشته باشیم و از یکی علیه دیگری حمایت کنیم. ما باید صف مستقل خود را همواره علیه هر دو جناح ایجاد کنیم، حتی اگر در اقلیت باشیم و نیروی کافی نداشته باشیم. با این سیاست به تدریج به یک نیروی قوی و مورد اعتماد مبدل می شویم

مصاحبه میلتانت با مازیار رازی

۱۳۸۸/۳/۲۳